

مصاحبه

## بحران کرونا و تحولات اندیشه سیاسی



■ گفت‌وگو با دکتر احمد بیگلری

دکتر احمد بیگلری دانش‌آموخته دکتری اندیشه سیاسی از دانشگاه تهران است. او همچنین برخی دروس دینی را در حوزه علمیه قم فراگرفته است. علائق پژوهشی بیگلری در زمینه اندیشه سیاسی شیعه، الهیات سیاسی و روندهای فکری در ایران معاصر است.

مدیریت آلمانی، مدیریت آمریکایی، به بحث در سطح ایدئولوژی‌های سوسیالیستی، اردولبرال و نولبرال و به‌ویژه انواع لیبرال دموکراسی و سوسیال دموکراسی خواهد انجامید.

به این ترتیب، پتانسیل قدرت نرم کشورهای الگو به در رژیم‌های سیاسی مختلف و گاه متعارض، جای می‌گیرند، در این نظریه‌ها مؤثر خواهد بود. در حال حاضر، جریان‌های اصلی رسانه‌ای و علمی در عرصه بین‌المللی در دست قدرت‌های بزرگی چون آمریکا است و به دلیل سیطره گفتمانی لیبرال سرمایه‌داری، مدیریت رسانه‌ای و علمی مسئله هم‌اکنون اهمیت فراوانی برخوردار است. با وجود این، به نظر می‌رسد سخن از دو دنیای متفاوت پیشاکرنا و پساکرنا دست‌کم در حوزه اندیشه سیاسی، کمی مبالغه‌آمیز و نتیجه‌گیری در این باره در حال حاضر، متأثر از هیجانات دوره بحران است.

با این اوصاف، پدیده کرونا چه تحولاتی را می‌تواند در حوزه نظریات سیاسی به وجود آورد؟  
حوزه سیاست چه نسبتی با بحران سلامت دارد؟

**بیگلری:** در حوزه نظریه سیاسی مباحث متعددی دوباره مورد تأمل و اندیشه‌ورزی قرار خواهد گرفت؛ از جمله بحث نظریه دولت، اقتدار، دموکراسی، امنیت، محیط زیست، شهروندی و حقوق شهروندی، آزادی‌های شخصی، عدالت، الزام سیاسی و... با این‌همه به نظر می‌رسد، مهم‌ترین

شوند. علی‌القاعده، بحران ناشی از ویروس کرونا، به دلیل وضعیت پاندمیک و عالم‌گیری که ایجاد نموده، به‌خصوص پس از فروکش کردن هیجانات ناشی از آن، تنور اندیشه‌ورزی سیاسی را شعله‌ورتر می‌گرداند. با این حال، مسائل ناشی از این بحران، اغلب در سطح شاخ و برگ‌ها هستند و اندیشه سیاسی، آن‌ها را به لایه‌های بنیادین اندیشه‌ای برده، مسائل اساسی را مورد بازاندیشی قرار می‌دهد.

اگر بخواهیم بحث را انضمامی‌تر دنبال کنیم، مسئله قدرت سیاسی و دولت مورد بازاندیشی قرار خواهد گرفت. البته در سال‌های اخیر و پیش از بحران کرونا هم این بازاندیشی در حال رخ دادن بوده است. پدیده دولت با ویژگی‌های آن به‌عنوان کالبد اصلی قدرت سیاسی، همواره یکی از مسائل اصلی اندیشه سیاسی بوده است. از آنجا که همه دولت‌ها با پاندمی و بحران جهانی مواجه شده‌اند و مدیریت اصلی این بحران را بر عهده دارند، نوع و نحوه مدیریت آن‌ها بی‌شک در آینده، محل تأمل اندیشمندان سیاسی خواهد بود و در حوزه اندیشه سیاسی هم مباحث اساسی و بنیادین درباره کارویژه‌های قدرت سیاسی، دامنه اقتدار دولت و نحوه اعمال این اقتدار در مواقع استثنایی مورد بحث و مذاقه قرار خواهد گرفت. به‌خصوص نحوه مدیریت دولت‌ها در این بحران، مباحثی را در سطح اندیشه سیاسی در فلسفه‌های سیاسی و مبانی ایدئولوژیک پشتیبان این دولت‌ها در پی خواهد داشت. به‌عنوان نمونه، مدیریت چینی،

**امروزه در بسیاری از عرصه‌ها از شیوع کرونا به‌عنوان نقطه عطف یاد می‌شود و خیلی‌ها از دنیای «پیشاکرنا» و «پساکرنا» سخن می‌گویند. نظر شما درباره این تقسیم‌بندی به‌طور خاص در حوزه اندیشه سیاسی چیست؟**

**بیگلری:** به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی از هیجانات کنونی ناشی می‌شود. اندیشه سیاسی در پی تأمل در مسائل بنیادین بشری در قلمرو امر سیاسی است. این گزاره درست است که رویدادهای جامعه برای این نوع اندیشه‌ورزی بستری موضوعی فراهم می‌کنند. به تعبیر «تامس اسپریگنز»، متفکران سیاسی در پاسخ به بحران‌های جامعه خویش اندیشه‌ورزی می‌کنند؛ اما در اندیشه سیاسی به لایه‌های زیرین و بنیادین رویدادها و بحران‌های جاری توجه می‌شود؛ بنابراین، مسئله اندیشه سیاسی در تراز مسائل بنیادین قرار دارد.

در طول تاریخ جوامع بشری، بحران‌های مختلفی پدید آمده است که گاه اندیشمندان را به تأمل واداشته و حاصل آن، ظهور نظریه‌های جدید در عرصه سیاسی بوده است. به‌عنوان نمونه، جنگ‌ها و آشوب‌های روزگاری که «توماس هابز» در انگلستان می‌زیست، یعنی سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی، سبب شد وی نظریه سیاسی خود را بر بنیاد یک هستی‌شناسی مبتنی بر «آشوب» (chaos) بنا نهد؛ بنابراین، بحران‌ها به‌اندازه‌ای که بتوانند محیط جوامع انسانی را متأثر سازند، می‌توانند در اندیشه‌ورزی سیاسی مؤثر واقع